

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۶

بازشناسی نسخه تحفه سلطانیه و بررسی محتوا و ویژگی‌های سبکی آن^۱

دکتر محبوبه مسلمی‌زاده^۲

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایذه

چکیده

نسخه خطی تحفه سلطانیه را حسن بن گل محمد تألیف و ملاقدم استنساخ کرده و به پادشاه تیموری هند، گویا شهاب‌الدین شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۹) اهدا کرده است. این نسخه که به شماره ۸۶۸۶۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران نگهداری می‌شود، در سه باب نگاشته شده: باب اول در مکتوبات سلاطین که به صاحبان مناصب مختلف حکومتی و متعلقان نگاشته و نیز جواب هریک از آن نامه‌ها، باب دوم در احکام و نشان حکومت و امارت مانند حکم ولایت، صدارت، شیخ‌الاسلامی، قضاوت و جز آن، باب سوم در مکاتبات شرعیه که شامل خط نکاح و طلاق، وثایق اعتاق و وکالت و حواله و بیع است. نسخه یادشده با اشمال بر مجموعه‌ای از این گونه نامه‌های سلطانی و اخوانی و احکام دیوانی و شرعی، به قلم خود مؤلف و احتوای نکات ادبی، اجتماعی، سیاسی، کشوری و لشکری به‌عنوان الگوهای برای نامه‌نگاری رسمی آن روزگار، نسخه ارزشمندی به شمار می‌آید. مقاله پیش‌رو بر آن است تا

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۱

۱ تاریخ وصول: ۹۵/۱۲/۲۳

^۲ m.moslemi@izehiau.ac.ir

نسخه مذکور را از منظر محتوا و ویژگی‌های سبکی بررسی و معرفی کند.

واژه‌های کلیدی

تحفه سلطانیه، حسن بن گل محمد، مکاتیب قرن دهم، ترسل.

۱. مقدمه

یکی از شاخه‌های گرانسنگ ادب فارسی، ترسل و انشاست. ترسل و انشا به لحاظ ادبی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی در دوره‌های مختلف تاریخی، از اهمیت شایانی برخوردار بوده است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۶). فن نامه‌نگاری یا ترسل که از فروع علم انشا و هنر نگارش به شمار می‌رود، در ادبیات فارسی سابقه‌ای طولانی دارد و نامه از جمله قالب‌های مناسبی بوده است که نویسندگان ایرانی برای آن اهمیتی خاص قائل بوده‌اند و مهارت در نوشتن نامه‌های زیبا و بلیغ را وسیله مؤثری در ترقی و پیشرفت افراد و نفوذ در دیگران می‌دانسته‌اند. از قرن پنجم هجری که مکاتبات اداری و نگارش امور دیوانی در دوره وزارت ابوالعباس اسفراینی، وزیر سلطان محمود غزنوی، از عربی به فارسی برگردانده می‌شود، فن ترسل و نوشتن نامه‌های رسمی دولتی (سلطانیات) و اخوانیات طبق اصول خاصی مورد توجه منشیان ایرانی و اهل فضل و ادب قرار می‌گیرد (رزمجو، ۱۳۸۵: ۲۰۶). این فن به مقتضای اوضاع ادبی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی در طول دوره‌های مختلف، فراز و فرودهایی را درنور دیده و منشآت در هر دوره از جنبه‌های گوناگون، تغییراتی یافته است. رسائل و مکاتیب به‌جامانده از دوره‌های مختلف تاریخی، که بیشتر به قلم نویسندگان و ادیبان نامدار ایران رقم خورده، غالباً از نظر ادبی، تاریخی، اجتماعی، همچنین نکات و دقایق دستوری و لغوی، چگونگی استعمال صنایع ادبی و ویژگی‌های سبک‌شناسی و شیوه نگارش، حائز اهمیت بسزایی است که با غور و توغل در آن‌ها آگاهی‌های ذی‌قیمتی در بررسی سیر تطور و تحول

نثر فارسی در طی قرون و اعصار گوناگون و حقایق تاریخی و ریشه وقایع و جریان‌های سیاسی و اجتماعی، اعتقادات دینی، شیوه تخاطب و روابط و احوال طبقات جامعه، تشکیلات کشوری و لشکری و آیین آن می‌توان حاصل کرد.

پیش‌تر مکاتیب را به سلطانیات و اخوانیات تقسیم می‌کردند. سلطانیات یا مکاتیب سلطانی نامه‌هایی بودند که شاهان به یکدیگر می‌نوشتند؛ در واقع نامه‌های رسمی دولتی و دیوانی یا نامه‌های سلطانی، فرمان‌ها، منشورها و نامه‌هایی که پادشاهان و امرا به یکدیگر یا به زیردستان خود یا زیردستان بدیشان می‌نوشتند و در نگارش آن، کاربرد عناوین خاص برای هر طبقه از طبقات اجتماعی مانند امیران، وزیران، سرداران و پادشاهان رعایت می‌شده است. به نامه‌های دوستانه اخوانیات می‌گفتند. چیره‌دستی در نگارش نامه‌های فصیح، بلیغ و موزون منشیانه و مترسّانه، وسیله‌ای مؤثر در ترقی منشیان در دستگاه‌های دیوانی و نفوذ در بزرگان مملکتی به شمار می‌آمد.

مکاتیب قرن پنجم هجری به شیوه اطناب و بسط و تأکید معانی و مفاهیم در حدی متعادل با آرایش لفظی همراه بوده است. در قرن ششم، صنایع و تکلفات بدیعی به شیوه‌ای مبالغه‌آمیز در مکاتیب مشحون از کلمات و جملات عربی دشوار و مترادفات به کار می‌رفت. در واقع این دوره، قرن نثر فنی و انقلاب ادبی است که در آن، منشآت متکلف و مصنوع عربی سرمشق کاتبان ایرانی قرار می‌گیرد. در عهد سلاجقه و خوارزمشاهیان، بیشتر مکاتبات دیوانی به زبان پارسی صورت می‌گرفت و در کنار نامه‌های فارسی، نامه‌هایی نیز به زبان عربی نوشته می‌شد. در اواخر قرن ششم و قرن هفتم، منشیان رسائل و نامه‌های خود را به همان سبک مصنوع و متکلفانه رایج در قرن ششم می‌نگاشتند. با رواج فن تاریخ‌نگاری در عهد مغول، شیوه عمومی کتاب‌های تاریخی در این دوره بر مبنای ساده‌نویسی و دوری از عبارت‌پردازی بود؛ گرچه کتاب‌های تاریخی مانند جهانگشا و وصاف به همان شیوه مصنوع و متکلفانه گذشته نگارش یافتند. بنابراین در قرن هفتم، به تدریج نثر ساده بر فنی رجحان یافت و در

نگارش نامه‌ها و مکاتیب نیز تکلفات گذشته تنزل یافت و اسلوب قدیم در نامه‌نگاری تا حدی متروک ماند. سپس به مرور ایام لغات و اصطلاحات و تعبیرات مغول و تاتار وارد نامه‌ها شد و اصطلاحات و تعبیرات تازه که بعداً به تصنع و تعقید و ابهام و هجوم لغات عربی منتهی گردید، کار را در تحریر منشآت دشوار کرد. این شیوه که تا دوره تیموری ادامه داشت، نفوذ عمیق در رسائل عصر صفوی بر جای گذاشت.

شیوه نگارش مکاتیب دیوانی و مناشیر عهد تیموری دنباله همان سبک نامه‌نگاری دوره مغول بود؛ یعنی رعایت ساده‌نویسی و ایجاز و اختصار و پرهیز از عبارت‌پردازی‌ها و لفاظی‌های بی‌مورد و ایراد القاب و عناوین و نعوت مرکب که در مکتوبات قرن ششم معمول بود. در برخی نامه‌های دوره تیموری حد متوسط بین نثر فنی و ساده رعایت شده، اما در آن‌ها نیز استشهاد آیات و احادیث و عبارات و امثال عربی معمول است. در دوره صفویه (آغاز قرن دهم تا میانه قرن دوازدهم) در ایران و هم‌زمان با آن در دربار گورکانیان هند، همان شیوه نثرنویسی و ترسل که در دوره تیموری رایج بود، کمابیش ادامه یافت. اما نثر فنی به یکباره فراموش نشده بلکه منشیان درباری و اهل فضل برای اظهار معلومات خود از *ظفرنامه* شرف‌الدین علی یزدی و *تاریخ و صاف* پیروی کردند. این روش در اواخر عهد صفوی در ایران و هند رواج یافت. آوردن ترکیبات و اصطلاحات دشوار عربی و اخبار نبوی و آیات قرآن و صنایع لفظی و ذکر القاب و عناوین طولانی و خسته‌کننده در منشآت این دوره، بر تکلف عبارات می‌افزود. اشعاری هم که در منشآت درج و تضمین می‌شد و برای تکمیل و تأیید معنی و بیشتر برای آرایش سخن آورده می‌شد، اغلب سست و بی‌مایه و گاهی زاید و در ردیف تعارفات و مجامله‌ها و عناوین بود و موجب ملال خواننده می‌شد (نک: مردانی، ۱۳۷۷: ۷-۵).

در این عهد، «گروهی از منشیان کوچک و بزرگ در روم و ایران و هند سرگرم کار بودند. کتاب‌هایی هم در فن ترسل از این دوره داریم که ارزش آن‌ها بیشتر در بیان فرندهای نگارندگی است نه در ذات انشا و نویسندگی» (صفا، ۱۳۸۳، ج ۵: ۴۰۵). مجموعه‌های دیگر

گذشته از فرهادهای انشا، نمونه‌های منشآت به‌عنوان سرمشق نامه‌نگاری و بیان دستورهایی است در چگونگی عنوان‌ها و خطاب‌ها و لقب‌ها و صفت‌هایی که باید برای هریک از طبقات مردم در نامه‌نگاری به کار برد و لحنی که هنگام خطاب باید داشت. نمونه‌هایی از این‌گونه دفترها در عهد مورد مطالعه ما یکی لطایف الانشاء است که یکی از منشیان عهد سلطان سلیم عثمانی (م ۹۲۶ق) به نام او فراهم آورده است. دیگر صحیفه الاخلاص که مجموعه‌ای از چند نامه خوش عبارت است از عبدالغفار صدیقی حسینی نیشابوری هروی که آن‌هم به نام سلطان سلیم عثمانی تنظیم شده است. وی در نگارش نامه‌های این مجموعه از نورالدین عبدالرحمن جامی تقلید کرده است. دیگر بدایع الانشاء معروف به انشاء یوسفی از مولانا حکیم یوسف پزشک و در همان حال شاعر و نویسنده و منشی همایون پادشاه (۹۳۷-۹۶۳ق) در هند است که کتاب خود را به سال ۹۴۰ برای پسرش رفیع‌الدین حسین تألیف کرد. کتاب دیگر، ارشاد الطالبین یا انشاء هرکرن است از هرکرن پسر متهراداس کنبوه مولتانی که آن را به خواهش دوستان، در فن نامه‌نگاری نوشته و در آن، سرمشق‌های لازم را درباره نوشتن نامه‌های سلطانی، فرمان‌ها، پروانه‌ها، عریضه‌ها، نامه‌های اخوانی، تمسک‌نامه‌ها و قبالة‌نامه‌های شرعی، دستک‌ها و سرنامه‌ها و جز آن‌ها معلوم کرده است. نسخه‌ای نیز به نام تحفه سلطانیه به شماره ۱۱۲۹۶ به کتابت هرکرن و تألیف مولانا نظام‌الدین (؟) (مجموعه، ص ۱-۹۷)، به خط نستعلیق و به تاریخ کتابت ۱۲۶۹ در فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش پاکستان تألیف محمدحسین تسیحی (۱۳۸۴: ۱۲۴) معرفی شده است. کتاب دیگر، ترسل منصور است از منصور بن محمد بن علی که از اواخر روزگار شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ق) تا حدود سال ۱۰۳۲ (زمان شاه‌عباس بزرگ) از او خبر داریم. از کتاب‌های دیگر در این زمینه، تحفه سلطانیه از حسن پسر گل محمد است که موضوع تحقیق حاضر است.

به‌لحاظ اینکه بسیاری از پسندها که در تاریخ تمدن هر جامعه‌ای - که دارای زبان و خط خاص خود بوده‌اند - به‌صورت آثاری مکتوب تجلی کرده و به نسل‌های روزگاران بعد رسیده،

احیای آن آثار یکی از راه‌هایی است که شناخت این پسندهای خوش و ناخوش مادی و معنوی پیشینیان را تضمین و تأمین می‌کند و هرچند این شناخت قرین عین و صواب باشد، مسلّم است که سودمندتر تواند بود (مایل هروی، ۱۳۷۹: ۲۷۹). از آنجا که دست‌نویس این اثر پیش‌تر تصحیح و چاپ نشده و پژوهشی هم درباره آن صورت نگرفته، مقاله پیش‌رو قصد دارد تا به معرفی نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و نسخه‌های فرعی آن، که در کتابخانه گنج‌بخش پاکستان هست، پرداخته موضوع و محتوا، ویژگی‌های سبکی و نگارشی رساله مذکور را بررسی نماید.

۲. پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه نسخه مورد سخن پیش‌تر تصحیح و معرفی نشده، پژوهشی هم درباره آن انجام نگرفته است. اما تحقیقات مشابهی در زمینه ترسل و نامه‌نگاری و معرفی نسخه‌هایی با چنین موضوع صورت یافته است؛ از جمله:

- مقاله «ترسل و نامه‌نگاری از آغاز تا قرن ششم» نوشته علی رضائی (۱۳۹۲) که به پیشینه دیرینه ترسل در ایران و ردپای آن از دوره هخامنشیان پرداخته و به روش توصیفی، دوره‌ها را تفکیک کرده و نام دبیران مشهور هر دوره را از پیش از اسلام تا آغاز قرن ششم شرح داده است.

- مقاله «ترسل و نامه‌نگاری در ادب فارسی» از فیروز مردانی (۱۳۷۷) در بیان ارزش و اهمیت منشآت از نظر تاریخی، اجتماعی، سیاسی و ادبی.

- بررسی ساختار و محتوای انواع نامه در دوران قاجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد واحد بردسیر (۱۳۹۱)، تجزیه و تحلیل نامه‌های عصر قاجار از منظر ویژگی‌های زبانی و نگارشی و دستوری و صور خیال و آرایه‌های ادبی.

- مقاله «سیری در ترسل و نامه‌نگاری (بررسی کتاب التوسّل الی الترسّل)» از محبوبه شمشیرگرها (۱۳۸۹) در موضوع آداب نامه‌نگاری.

– مقاله «ترسل در عصر تیموری» نوشته سید امیر جهادی (۱۳۹۳)؛ آشنایی با جریان کلی کتابت و دبیری در عصر تیموری و بیان موازین نظری و عملی ترسل و انشا در این عصر، معرفی محتوایی، سبکی و ساختاری آثار ممتاز ترسل و انشا و ارائه‌ی نمایی کلی از کتابت این دوره.

۳. عنوان، موضوع و محتوای نسخه

نسخه خطی *تحفه السلطانیه* از جمله مکاتیب سلطانی نیز متضمن برخی اخوانیات، با مقدمه‌ای با نام و ستایش خدا و تلمیح به آیات قرآن کریم آغاز شده و با صلوات و تحیات بر سرور کاینات و اصحاب و اولاد عالی‌نژاد او دنبال می‌شود:

ربّ یسر و تمّم بالخیر، بسم الله الرحمن الرحیم، اول نامه بنام کردگاری که نگارنده لوح و قلم است و برآرنده عالم است از کتم عدم و کریمه نون و القلم و ما یسطرون سطریت از دیباچه دفاتر اجلال او و منطوقه لم لکم کتاب فیه تدرسون حرفی است از روزنامه‌چۀ افضال او... (گل محمد، برگ ۱ الف).

و در ادامه، اشاره‌گونه‌ای به محتوای رساله خود دارد و هدف از کتابت چنین رساله‌ای را این‌گونه بیان کرده است:

حرف انشا و صنعت املا نزد فصحا و بلغا امریست مسلّم و هنریست مکرم ارباب دولت و اصحاب حشمت و غیرهم ناچارست از ارسال رسل و رسایل بجانب اقران و امثال و عرایس مضامین را در جلباب الفاظ مکتوب از اغیار مخفی داشتن نزد اولی‌الالباب احسن واصفات است یحتمل که اظهار آن قاصد مقاصد را ضرر نکند و خلال نپذیرد بنابراین چند سطری درین باب مرتب گشت... (گل محمد، برگ ۲ الف).

چنان‌که خود مؤلف در مقدمه گفته، رساله خود را به نام پادشاه، *تحفه السلطانیه* نام نهاده و بی‌آنکه نامی از پادشاه مورد نظر ببرد، به ستایش او پرداخته، سپس ابواب کتاب را معرفی کرده است.

متن مذکور دارای حواشی و توضیحاتی در کناره‌های متن و میانه سطور به خطی مطابق با متن اصلی وجود دارد؛ مطالب حاشیه‌ای کلمات دشوار متن را معنی کرده که در بازخوانی نسخه بسیار مفید می‌نماید. درباره محتوای کتاب، در بین نسخ خطی کتابخانه دانشگاه امام صادق^(ع) یک نسخه از *تحفه سلطانیه = تحفة السلاطین* از حسن بن گل محمد هست که متفرعات دیگری به نثر و نظم برای نسخه قائل است؛ از جمله رموزات و قوف قرآن، قاعده ختم سوره انعام به نقل از خزانه جلالی، نصایح سفر از منقولات فردوسی، وصایای افلاطون به ارسطاطالیس، اشعار سعدی؛ که البته نسخه‌های مورد استفاده نگارنده برای تصحیح، متضمن این متفرعات نیست.

در این رساله اشعاری از حافظ، سلمان ساوجی، جامی (هفت/اورنگ) یا منقول از تذکره *تحفه سامی*، *مونس الاحباب*، *منشآت میبدی* (معین‌الدین میبدی) و... مندرج است و برخی اشعار به نظر می‌رسد که سروده خود مؤلف باشد.

مؤلف به‌طور مشخص، از پادشاه یا اشخاص و از تاریخ و اماکن نامی نبرده جز یکی دو مورد تاریخ و نام بلده و محله در ضمن برخی نامه‌های منقول‌عنه که مؤلف از دوره‌های قبل گردآوری کرده و آن‌ها را عیناً ذکر نموده است. رساله مذکور مشتمل بر یک مقدمه و متضمن نامه‌هایی به شخصیت‌های سیاسی و درباری، ائمه، قضات، علما، ادبا، مردم عادی و مانند آن‌هاست که روابط رجال و درباریان با یکدیگر و با زیردستان و مقامات مافوق، مسئولیت و حدود وظایف و اختیارات صاحبان مشاغل و صاحبان دولتی و دیوان‌ها مانند قضات و محتسبان و صدارت و مشایخ و سادات و شعرا و... همچنین کیفیت تفویض قدرت و سلطنت و عزل و نصب والیان و ملوک ولایت‌ها و سرزمین‌های تحت نفوذ و نظایر آن را در بر دارد که به نظر می‌رسد مؤلف زمانی که در دستگاه شاه‌جهان به سر می‌برده، این مجموعه نامه‌ها را گرد آورده است.

تحفه سلطانیه در سه باب نگاشته شده: باب اول در «مکتوبات سلاطین و جواب آن».

همچنین به جانب امرای منصب حکومت، سادات، مشایخ، قضات، محتسب، علما، استاد، حافظ، شعرا و کاتبان و برای خانواده؛ باب دوم در «احکام و نشان حکومت و امارت» از جمله حکم ریاست و حکومت ولایات، صدارت، شیخ‌الاسلامی، قضات، احتساب، ترخانی، شیخی مزارات، علما، خازنی، قورخانه سلاح‌دار، داروغگی جبه‌خانه، قوش‌بیگی بازداران، داروغگی موضعه، گرک یراقی، مهتری نقاره‌خانه؛ باب سوم در «مکاتبات شرعی» شامل خطوط نکاح و وثیقه طلاق و اعتاق و کفالت و حواله دین و

کتاب در برگ ۴۲ الف (ص ۸۴) با این جمله پایان می‌یابد: «که دعوی بر وجه شرع شریف به قطع رسد در عهده دانسته درین باب تقصیر نه نماید» و با انجامه و چند بیت شعر دنبال می‌شود. از برگ (۴۳ الف) (ص ۸۶) چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، کتاب/انشاء یوسفی است در ۲۲۳ صفحه، مشتمل بر محاورات خطابی و جوابی، برای رفیع‌الدین حسین فرزند مؤلف که آن‌هم از نمونه منشآت است که به‌گفته او «طالبان این فن را به میمنت مشاهد و برکت مطالعش نفعی کامل و حظی شامل میسر و محصل گردد». شیوه نگارش و خط نسخه دوم نیز دقیقاً مطابق با *تحفه سلطانیه* و تاریخ کتابت نیز ۱۱۹۷ ذکر شده است. پایان این نسخه در برگ ۱۴۵ الف، چنین است: «جناب دولت‌مآبی فلان مطالعه باد».

۴. مؤلف و کاتب نسخه

نام مؤلف کتاب در برگ ۲ الف چنین مضبوط است: «اما بعد چنین گوید بنده شکسته دلخسته اضعف عباد الله الصمد حسن بن گل محمد که...» کاتب این نسخه، بنا به آنچه در انجامه مذکور افتاده، ملاقدیم و تاریخ کتابت ۱۱۹۷ می‌باشد، اما محل کتابت ذکر نشده است. از احوال و آثار مؤلف و کاتب اطلاعی حاصل نیامد. ذبیح‌الله صفا در کتاب *تاریخ ادبیات در ایران* (صفا، ۱۳۸۳، ج ۵: ۴۰۷) کتاب *تحفه سلطانیه* از حسن پسر گل محمد را جزء منشآت سده یازدهم هجری یاد کرده است.

تقی دانش‌پژوه (۱۳۵۰: ۴۷) مؤلف را حسن بن گل محمد بن قلی محمد نامیده که کتاب خود را به نام پادشاه تیموری هند گویا شهاب‌الدین شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۹ق) ساخته و پرداخته است. استناد دانش‌پژوه به نسخه‌های زیر است:

- افغانستان ص ۲۳۰ فهرست بورکوی؛

- ایوانف. ۲. ۱۲۶. ش ۱۴۲ و ۱، ۱۸، ش ۴۱۱. (۴۹)؛

- پاریس S.P. 466. مورخ 1044 (2) 278. ش 1063 فهرست بلوشه؛

- دیوان هند. 2124 بی تاریخ؛

- لنینگراد D112.

بلوشه در فهرست نسخ خطی فارسی خود (۲۷۸/۱۹۱۲) گوید: «عنوان این رساله در برگ 19v و نام نویسنده در برگ 18r پس از یک مقدمه طولانی آمده بی آنکه هیچ اطلاعات دیگری از خود به دست دهد. او این رساله را به پادشاه تیموری هندوستان اهدا کرده که نامش را ذکر نکرده و چنین بدو خطاب می‌کند: حضرت ظلّ سبحانی جالس سریر سلطنت و کشورستانی، باعث امن و امانی نور باغ جهانبانی، نور چراغ شبستانی، ثمره شجره حدیقه دولت کامرانی.

شاه سکندروش انجم‌سپاه	حامی دین خسرو عالم‌پناه
هفت کفش بحر وجودش کرم	جود همه نزد وجودش عدم
ملک همه تابع فرمان او	کوی سخا در خم چوگان او
ابلق ایام بسود رام او	سکه دولت شده بر نام او
قاطع آثار جفا و ستم	جامع انوار وفا و کرم

بلوشه احتمال می‌دهد که این پادشاه شهاب‌الدین شاه جهان باشد. سپس با ذکر موضوع کتاب در مکتوبات، باب‌های رساله را برمی‌شمارد و علت ترتیب این تقسیم‌بندی کتاب را وجود برخی نامه‌ها در مقدمه می‌داند که اغلب انشای خود نویسنده همراه با جواب آنهاست. وی همچنین استنساخی خوب به تعلیق از شهاب‌الدین قریشی صدیقی متعلق به جمادی

الثانی سال ۱۰۴۴ در ابعاد ۱۸×۱۳ با جلد چرمی معرفی می‌کند، اما به محل نگهداری آن اشاره‌ای نشده است.

۵. ویژگی‌های ظاهری نسخه

نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ثبت ۸۶۸۶۴ دارای جلد تیماج قهوه‌ای فرسوده به ابعاد ۲۳/۵ × ۱۶/۵ و کاغذ حنایی‌رنگ دانه‌دار و ضخیم در ۱۵۳ برگ است. مشتمل بر دو نسخه خطی، یکی رساله تحفه سلطانیه تألیف حسن بن گل محمد و نسخه دیگر با نام انشاء یوسفی یا بدایع الانشاء تألیف حکیم یوسفی، منشی همایون پادشاه هند است. تحفه سلطانیه تا برگ ۲۴ را در بر می‌گیرد و مابقی شامل انشاء یوسفی است. مؤلف در مقدمه رساله خود به نام کتاب اشاره کرده است.

این نسخه به زبان فارسی و خط نستعلیق شکسته و در آداب ترسل (نامه‌ها، مکتوبات و منشآت) است. تعداد سطور در هر برگ، ۱۰ سطر است، عناوین و علائم با شنگرف و اشعار و مصراع‌ها و عبارات عربی نیز با علامت‌گذاری یا با فاصله از اجزای سطر در میان آن مشخص شده است. تعداد این سطور از نسخه بعد، یعنی انشاء یوسفی، بین ۱۱ و ۱۵ متغیر است.

نسخه دارای رکابه و انجامه است. هیچ‌گونه افتادگی در آن وجود ندارد، اما نسخه دوم از آخر ناتمام است. نشانی از رطوبت بر برخی از صفحات میانی نسخه به چشم می‌خورد، اما پارگی یا پوسیدگی مشهود نیست. نسخه مورد بحث، عاری از هرگونه تزیین اعم از جدول و کتیبه و مانند آن است. همچنین نشانه‌های نگارشی و سجاوندی در آن رعایت نشده است. در صفحه آغازین، متنی به خط نستعلیق شکسته نوشته شده که به نظر می‌رسد این نسخه از دست کسی به نام عبدالواحد به کسی دیگر به نام عبدالسلام‌جان اهدا شده باشد. متن مذکور که سطور آخر آن تقریباً پاک شده و خوانا نیست چنین است: «هو العزیز فضیلت پناه

کمالت دستگاه حقیقت و معرفت بنیان علیا جناب عبدالسلام‌جان همیشه از جمیع عوارضات به دور از کج‌رفتاری فلک نیلگون محروس و مصون... باشند از اینجانب عبدالواحد... با آنکه خاطر شریف خود از من خوش دارد، انشاء تحفه سلطانیه به شما... رسیده...» در دو صفحه بعد، ابیاتی به خط نستعلیق شکسته مشق شده و بعد آن، صفحه آغازین تحفه سلطانیه است. به نظر می‌رسد کاتب متن را بازخوانی و اصلاح کرده؛ زیرا مواردی از خط ترقین در برخی برگ‌های نسخه به چشم می‌خورد.

۶. ویژگی‌های سبکی نسخه

۶-۱. سطح زبانی (آوایی، لغوی، نحوی)

این نسخه از لغات و اصطلاحات و ترکیبات و عبارات عربی بهره‌افر برده و همچنین موشح با اشعار فارسی و عربی و آیات و احادیث و نیز اصطلاحات ترکی است. نگارش متن یکدست نیست؛ مثلاً گاهی کسره مضاف‌الیه بر روی هاء غیرملفوظ ظاهر می‌شود، همچنین پیوسته‌نویسی و گسسته‌نویسی همه‌جا به‌طور یکدست رعایت نشده است.

۶-۲. سطح آوایی

- تتابع اضافات

پیدایی ادای ثنای کبریای او (۱ ب)؛ ثمره شجره حدیقه دولت کامرانی (۲ الف)؛ قوافل صحایف دعوات کثیرالوقوع و رواحل و ثایق مدحات شریف الشراع (۱۱ الف)؛ گلبن گلشن تعلیم طوطی چمن تکلم (۱۱ ب).

- هم‌حروفی و هم‌آوایی

صلوات طیبات و تحیات زاکیات (۲ ب).

- جناس

طغرای غرای نشان ممکنات (۲ ب)؛ منشأ انشاء مبدعات (۲ ب)؛ ارسال رسل و رسایل

(۲ الف)، قاصد مقاصد (۲ الف).

- مترادفات

اقران و امائل (۲ الف)؛ ارباب دولت و اصحاب حشمت (۲ الف)؛ مصون و محفوظ (۵ ب).

- تضمین المزدوج

مهر سپهر سلطنت (۴ الف)؛ قطرات مطرات (۴ الف).

- سجع

دعای مخلصانه و ثنای محبانه (۴ ب)؛ در ایام و لیالی بر سبیل تواتر و توالی (۱۷ الف)؛

دولت و بهروزی و بهجت و فیروزی (۴ ب)؛ مصادقت مشحون و موافقت مضمون (۵ الف).

- ترکیبی از جناس و سجع

مالک ممالک طریقت سالک مسالک حقیقت والی ملک ولایت (۷ الف).

- تنسیق صفات

مخلص پریشان‌افکار بی‌سرانجام (۵ ب)؛ والده مشفقۀ صالحۀ راکعۀ ساجده (۱۵ ب)؛ امرای

صاحب تدبیر ظفر قرین (۲۵ ب)؛ صدور صدرآرای فضیلت‌آیین (۲۵ ب).

- واج‌آرایی

از خیل خادمان خیال کرده (۱۳ ب).

- واج‌آرایی و جناس

سبیل ارسال رسل و رسایل (۱۰ ب).

- تضمین المزدوج و تتابع اضافات

به قطرات رشحات اقلام مشکفام این گمنام زاویۀ محنت (۱۵ الف).

- تعقید لفظی

طوالع ما از مطالع مواهب حضرت واهب العطایا واهب گشته (۲۱ ب)؛ تغلب و تعطش

توصل به بوسیدن آستان (۱۱ الف).

۳-۶. سطح لغوی

- استفاده از لغات و ترکیبات فراوان عربی

دفاتر اجلال، منطوقه، غیرهم، یحتمل، بین الجانین، استعجالاً و مشروحاً.

- جملات دعایی

خَلَّدَ اللهُ مَلِكَهُ وَ اجْرَى فِي الْبَحَارِ الْمَرَامِ فَلِكِهِ (۴ الف)؛ اضعف الله دولته و زاد شوکته (۴)

(ب).

- تکرار اصطلاحات و عبارات

سعی مالاکلام، حضرت ملک العلام، بالرأس و العین، علی الدوام، زیاده تبلیغ نرفت، زیاه

ایرام نرفت.

- عبارات عربی

فی الغدو و الأصال بل فی کلّ اوقات و الاحوال (۵ ب)؛ عمّا یوجب التّهلف و التأسف (۵)

(ب).

- تکرار ابیات

تورا عمر بادا و دولت مدام... (۴ ب، ۲۰ الف، ۹ الف).

کمری بر میان جان بسته... (۲۰ ب، ۳۰ ب).

- ترکیبات وصفی عربی

کثیر السرور فایض النور، قلیل البضاعت و عذیم الاستطاعت.

- کاربرد کلمات و اصطلاحات ترکی

ساوری، ایلچیان، قوشچیان، غانچیان، اولاغ، قورخانه، قوش بیگی، الوق، داروغگی.

۴-۶. سطح نحوی

- مطابقت موصوف و صفت و کاربرد آن به سیاق عربی

عرایس مضامین، ممانع وقایع، اوطان مألوفه، بارقات تحیات.

- کاربرد فعل جمع برای صفت مبهم

هیچ آفریده... تمرّد نورزند (۲۲ الف)؛ کسی شکوه و شکایت نکنند (۲۲ الف).

- استعمال موصوف جمع برای صفت مبهم

هر مواضع (۲۶ ب)

- جمع الجمع

آمالات.

۶-۵. سطح ادبی

- جناس و تشبیه و تابع اضافات (ترکیبی از بیان و بدیع): امطار فتوح فیض فیاض ازل (۷)

(ب).

- تشبیه: عرایس مضامین (۲ الف)؛ جلباب الفاظ (۲ الف)؛ آب صلح و آتش فتنه (۳ ب)؛

سهام ادعیهٔ اخلاص (۴ ب)؛ زمین دل و دانهٔ محبت و مودت (۵ الف).

- اضافهٔ تشبیهی: بوستان جهان (۱۵ ب)؛ صرصر خزان دوران (۱۵ ب)؛ آفتاب حرمان زمان

(۱۶ ب).

- تمثیل: اگر لاله پیاله‌داری کند خونش بریزند و اگر هرکس مستی انگیزد، چشمش کور

کنند و اگر سرو کج رفتاری آغازد، از پا دراندازند (۲۴ ب).

- کنایه: پای همت در دامن قناعت کشید (۲۸ الف).

- تشبیه و استعاره: کمند جان در کنگرهٔ قلعهٔ خدمت انداخته (۲۹ ب).

- براعت استهلال در صدر نامه

چون به آوازهٔ طبل باز عنایت حضرت لم یزلی شاهین ما را در پرواز آورده (۳۰ ب)؛ نشان

قوش بیگی بازداران).

۷. رسم الخط نسخه

- اتصال حرف اضافهٔ «به» به مابعد: بجانب، بسحاب.

- نگارش گ، چ، به صورت ک و ج: کردکاری، نکارنده؛ دیباجه، هر چند، ناجار.
- اتصال فعل «است» به ماقبل و حذف همزه: سطر نیست.
- انفصال فعل «است» از ماقبل و حذف همزه: واقعات ست، ملالت ست.
- اتصال کلمات: آنخداوندی، خویشرا، ظلّسبحانی، باغجهانبانی، وجودشعدم.
- نگارش کلمات عربی مختوم به تاء مدوّر به هر دو شکل تاء کشیده و مدوّر: صلوات / صلواة.
- معرّب کردن کلمه فارسی: عالی نجاد (عالی نژاد).
- انفصال نون نفی از فعل: نه پذیرد.
- عدم رعایت املائی درست کلمات دارای «ذ» و «ز»: پذیرد، زروه، زمه، تعذیرات.
- افزودن هاء غیرملفوظ به آخر کلمات به جای کسره اضافه: بجهته، عدم طالعه این ستاره سوخته بداختر.
- حذف هاء غیرملفوظ در وجه وصفی: انزال امطار وصال نمود، بسند خواهد بود.
- شکل کهن فعل فارسی: فریستد (۵ الف).
- کاربرد منادا به شکل خاص: مخدوما امیدگاها!
- عدم کاربرد نشانه یاء نکره و وحدت: باید که قطره از آن به کام...؛ لمحّه و لحظه بی ذکر...
- عدم کاربرد کسره مضاف الیه در کلمات مختوم به هاء غیرملفوظ: بادیه حرمان.
- ابقای هاء غیرملفوظ در کلمات مختوم به هاء و جمع با «ان» یا یاء نسبت در عین کاربرد واج میانجی: افتاده‌گان، داروغه‌گی، شکسته‌گی.
- بعضاً غلط نگارشی: ظوابط.
- حذف نویسه حرف عطف: صبحشام.
- ترکیبات خاص: دلبرنا (۱۷ الف).
- انفصال نشانه تفضیل: کلان تران.

- محرف نوشتن علامت تنوین: محمدان المصطفی.

۸. نسخه‌های فرعی

شش نسخه دیگر از تحفه سلطانیه در کتابخانه گنج‌بخش پاکستان قابل دسترس است که با نسخه محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تفاوت‌هایی دارد و البته همه آنها کامل نیست. خلاصه مشخصات شش نسخه از این نسخ با علامت اختصاری «نگ ۱ تا ۶» به شرح زیر است:

- نسخه ۱ به شماره PAK-001-0553

نسخه‌ای ناقص در ۳۵ صفحه، که صفحه آغازین مقدمه چند سطر کمتر و متفاوت با نسخه مجلس است و غلط‌هایی هم دیده می‌شود که احتمالاً بر اثر خوانش نادرست و عجولانه، از نسخه روی داده است. ابیات و مصراع‌ها در این نسخه با شنگرف و علامت \bigcirc که درون آن قرمز شده، مشخص شده است. تعداد سطور در هر صفحه از ۱۵ تا ۲۷ سطر متغیر است. این نسخه به خط نستعلیق تحریری ابتدایی است هیچ‌گونه تزیین و آرایه ندارد، عاری از رکابه و نسخه‌ای ناقص که فقط شامل باب اول و دوم است. انجامه آن: «تمت هذه الكتاب المسمى به سلطانیه به دستخط ملا محمد خان ختک بعون الله ملک الوهاب» و در ادامه به گویشی خاص اشعاری ذکر شده که خوانا نیست. همچنین محل کتابت در ملک... در موضع... در مسجد... ذکر شده که خوانا نیست. ادامه این نسخه، هفده صفحه دیگر از نسخه‌ای را در بر دارد که به نظر می‌رسد شرح لغات و اصطلاحات و ترکیبات کتابی دیگر است. برخی از برگ‌ها آسیب دیده و دارای پارگی است و در نسخه عکسی موجود حاشیه‌ها کاملاً برش خورده و قابل رؤیت نیست. هیچ‌گونه شرح و توضیح هم ندارد.

- نسخه ۲ به شماره PAK-001-1543

نسخه کامل در ۳۲ صفحه دارای جلد مقوایی با طرح ترمه و عطف پارچه‌ای است. در

یادداشتی در آغاز نسخه، تقطیع کتاب را $\frac{1}{5} \times 9$ قید کرده است. خط آن نستعلیق تحریری ابتدایی و بدون شرح و تزیینات است. کاتب آن «حضرت ولد میان شیرعلی» مکتوب در ماه شوال بی ذکر سال و محل کتابت است. رسم الخط این نسخه متفاوت با نسخه مجلس و مغلوط است. عناوین، ابیات و مصراع‌ها با شنگرف آن‌هم فقط در مقدمه متمایز شده و در متن جز وجود برخی فواصل در وسط سطرها، جداکننده دیگری به چشم نمی‌خورد.

- نسخه ۳ به شماره PAK-001-1672

نسخه کامل ۹۶ صفحه‌ای به خط نستعلیق تحریری خوانا و کاتب مجهول، دارای جدول و کتیبه با شنگرف و مرکب سیاه در صفحه نخست که این جدول تا صفحه ۳۱ به همین طرح و رنگ و از آن به بعد فقط با مرکب سیاه ادامه می‌یابد، دارای رکابه و توضیحات در حاشیه بیرون از جدول و میانه سطور و خط متن با خط شروع متفاوت است که ظاهراً کسانی که بعدها نسخه به دستشان رسیده، توضیحاتی بر آن افزوده‌اند. عناوین و ابیات و فاصله میان مصراع‌ها با شنگرف علامت‌گذاری شده، تعداد سطرها در هر صفحه ۱۱ سطر است. برگ‌های نسخه آسیب‌دیدگی ندارد جز چند صفحه اواسط آن که لکه‌ای قهوه‌ای‌رنگ در آن دیده می‌شود. هرچه به اواخر نسخه نزدیک می‌شود، نوع خط کمی تغییر کرده، شکسته‌تر می‌شود. انجامه آن درون جدول بدین شرح آمده: «به اتمام رسید نسخه متبرکه و مبارکه و میمونه تحفة السلطانی به روز شنبه بوقت چاشت نوشته شده، هر جا که سهوی و خطایی درین کتاب واقع شده باشد بذیل کرم بیوشند و قلم اصلاح بر آن جاری دارند» و به دو بیت شعر که در نسخه دیگر هم هست، ختم می‌شود. در این نسخه مؤلف احمد حسن بن محمد معرفی شده است.

- نسخه ۴ به شماره PAK-001-1754

یک نسخه ناقص شصت صفحه‌ای و نسبتاً متفاوت و مغلوط که ظاهراً عجولانه کتابت شده، به خط نستعلیق ابتدایی است که در نسخه تصویری حاشیه‌ها کاملاً برش خورده و قابل

رؤیت نیست. سه صفحه آغازین نسخه با شعری آغاز می‌شود و خط آن کم‌کم رو به شکستگی می‌گذارد و در صفحات بعد تغییر می‌یابد. نامه‌های باب اول از نوع اخوانیات است که با آنچه در تحفه سلطانیه است فرق دارد. این روال تا صفحه یازده ادامه داشته از آن به بعد با نسخه مجلس تطبیق می‌یابد. تعداد سطور در هر صفحه بین سیزده تا پانزده متغیر است، شرح و رکابه هم ندارد. عناوین به خطی متفاوت نگاشته شده که خوانا نیست. کاتب نسخه، محمد زمین ولد حافظ مرحوم مغفور ساکن قریه... به تاریخ ۲۳ رمضان به روز سه‌شنبه سنه ۱۲۵۹ است. اختتام آن شعری است که در نسخه پیش هم ذکر آن رفت. نسخه‌ای است نامرتب و در ترقیمه چنین آمده: «تحفه سلطانیه تصنیف مولوی محمد حسن بن گل محمد دستخط فقیر حقیر پرتقصیر اضعف من عبادالله الصمد محمد زمین هرک دعوا برو کند... سرانجام شد در ملک یوسف زی در موضع طور در مسجد علیجاه صف الله خان [کذا]». پایان این نسخه نیز به کلی با نسخه مجلس متفاوت است.

- نسخه ۵ به شماره PAK-001-1784

نسخه کامل ۷۱ صفحه‌ای، به خط نستعلیق پخته و خوانا، دارای رکابه و توضیحات در حاشیه و بین سطور با خطی متفاوت، بدون تزیین و آسیب دیدگی، ابیات و فصل‌ها و عناوین با شنگرف است. برخی عنوان‌ها نسبت به نسخه مجلس کامل تر مرقوم شده است. در هر صفحه سیزده سطر است و نظم و ترتیب آن تا آخر همچنان مرعی است. کاتب نسخه گل محمد ساکن قریه شیخان که به تاریخ ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۲۸۱ق به کتابت آن اقدام کرده است.

- نسخه ۶ به شماره PAK-001-1952

نسخه کامل در ۱۰۶ صفحه که چهار صفحه آغاز آن تحریر گلستان سعدی است به خط نستعلیق ابتدایی که برگ‌های آن آسیب دیده و از آن به بعد تحفه سلطانیه شروع می‌شود. دارای جدول و کتیبه و سرلوح با زر و مرکب سیاه و قرمز و سبز و تعداد سطور، ده سطر در هر صفحه است. همچنین رکابه دارد و ابیات، باب‌ها و عناوین با شنگرف مشخص شده

است. در برخی صفحات لکه‌هایی دیده می‌شود. بر بالای عبارات عربی خطی ممتد نیز با شنگرف کشیده شده، شرحی بر نسخه دیده نمی‌شود و نسخه‌ای است مرتب به خط نستعلیق تحریری. اما کاتب و زمان و محل کتابت آن نامعلوم است.

افزون بر موارد فوق، در فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش پاکستان (ص ۱۲۴)، به چندین نسخه دیگر از این رساله به شرح زیر اشاره شده که بعضاً با نسخ فوق همخوانی دارد:

۶۶۲۸: *تحفه سلطانی* (انشا و نامه‌نگاری. ف. ع. [فارسی عربی]. نثر)، میج [مجموعه]، ص ۲۱۲-۲۹۰) از حسن بن گل محمد، کا. [کاتب] عبدالرحمن، ک. [کتابت] ۱۰۲۸ق. نستع. [نستعلیق]، (می [میکروفیلم] ۶۶۷).

۶۶۲۸: *تحفه سلطانیه* (ادب و انشا، ف [فارسی]، نثر)، (میج، ص ۱-۶۹)، (جزو ۱)، از حسن بن گل محمد، کا. فیروزشاه، ک. ۱۲۶۳ق. نستع. (س [اسکن شده] ۳۹۰).

۱۲۹۴۸: (ف، نثر)، ک. ۱۲۶۳ق. (میج، ص ۱۳۸)، (جزو ۱)، نستع.

۱۱۵۸: (ف، نثر)، (میج، ص ۱۹)، (جزو ۲)، ک. ۱۲۶۷ق. نستع.

۹۶۶۳: (ف، نثر)، ۱۴۹ ص، ک. ۱۲۷۲ق. نستع. (می ۱۲۹۵)

۹۹۰۵: (ف، نثر)، ک. ۱۲۷۶ق. نستع.

۸۸۲۸: (ف، نثر)، ۷۱ ص، ک. ۱۲۸۱ق. نستع. (س ۴۲۱). [ظاهراً نگ ۵].

۱۱۱۵۸: *تحفه السلطانیه* (انشا و نامه‌نگاری، ف، نثر)، ۷۸ ص، ک. ۱۲۹۶ق. نستع. از احمد

حسن بن گل محمد.

۲۴۲۸: (انشاء فارسی، نثر)، از حسن بن گل محمد سلطان، نستع. کا. حبیب‌الله. ک. ۱۳۱۲ق.

۸۲۱۶: (ف، نثر)، ۱۶ ص، ک. قرن ۱۳ق. نستع. (س ۴۱۸).

۱۰۲۴۵: (ف، نثر)، ۶۰ ص، ک. قرن ۱۳ق. نستع.

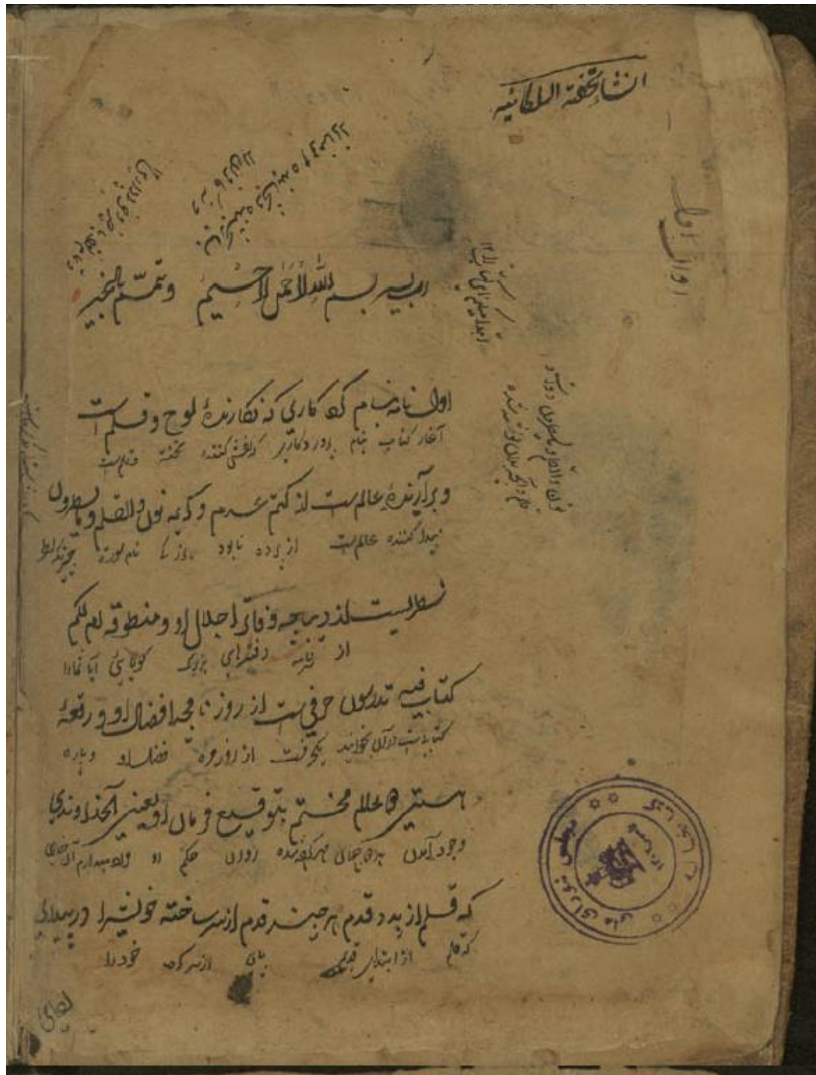
۷۹۷۸: (ف، نثر)، ۹۷ ص، ک. قرن ۱۳ق. نستع. (می ۷۳۴) (س ۴۱۱). [ظاهراً نگ ۳].

- ۱۸۲۳: (ف، نثر)، از احمد حسن بن گل محمد، ۲۵ ص، ک. قرن ۱۳ق. نستع. (می ۴۸۱).
- ۳۰۶۶: (ف، نثر)، ک. قرن ۱۳ق. نستع. (س ۷۸).
- ۴۳۷۹: (ف، نثر)، (مج. ص ۴۷-۱۱۵)، (جزو ۳)، ک. ۱۲۶۹ق. نستع. (س ۳۳۷).
- ۶۴۸۶: (ف، نثر)، (مج. ص ۹۴-۱۱۵)، (جزو ۲)، ک. قرن ۱۳ق. نستع. (می ۱۱۴۸).
- ۸۵۴۵: (ف، نثر)، ۱۰۶ ص، نستع. ک. قرن ۱۳ق. نستع. (ظاهراً نگ ۶).
- ۹۰۰۲: (ف، نثر)، ۳۱ ص، ک. قرن ۱۲ق. نستع. (می ۱۱۸۲).
- ۱۳۳۵۳: (ف، نثر)، ۶۶ ص، ک. قرن ۱۳ق. نستع.
- ۱۲۹۸۷: (ف، نثر)، ۷۶ ص، ک. قرن ۱۲ق. نستع.

۸ نتیجه‌گیری

نسخه خطی تحفه سلطانیه تألیف حسن بن گل محمد است که ظاهراً به شهاب‌الدین جهانگیر پادشاه تیموری هندوستان اهدا کرده است. کاتب نسخه ملاقدم و زمان کتابت سال ۱۱۹۷ است. تحفه سلطانیه از جمله آثار در آداب ترسل است که برخی از نامه‌های اوایل آن نگاشته خود مؤلف است، اما چون این گونه کتاب‌ها جنبه آموزشی داشته، بیشتر آن‌ها نامه‌هایی است با محتوای پیش‌فرض که از دوره‌های قبل گردآوری شده و دلیل این ادعا تاریخ‌هایی است که در یکی دو نامه بدان اشاره شده است. مضمون نامه‌های باب اول و دوم نمایانگر طبقات حاکم و تعیین‌کننده حدود وظایف و چگونگی روابط آنان است. محتوای باب سوم، میزان پایبندی و رعایت حقوق و موازین شرعی را در حوزه ایدئولوژی آن عصر مشخص می‌کند افزون بر این‌ها، شیوه تخاطب و سبک نگارش این نسخه نمونه‌ای بارز و ارزشمند از نامه‌نگاری در عصر تیمور (گورکانی) است که در سطوح مختلف سبکی از جمله سطوح آوایی، لغوی، نحوی، و از نظر رسم‌النخط بررسی شده و ویژگی‌ها و ارزش جداگانه دارد. کتابخانه گنج‌بخش پاکستان چندین نسخه دیگر از تحفه سلطانیه را معرفی کرده که

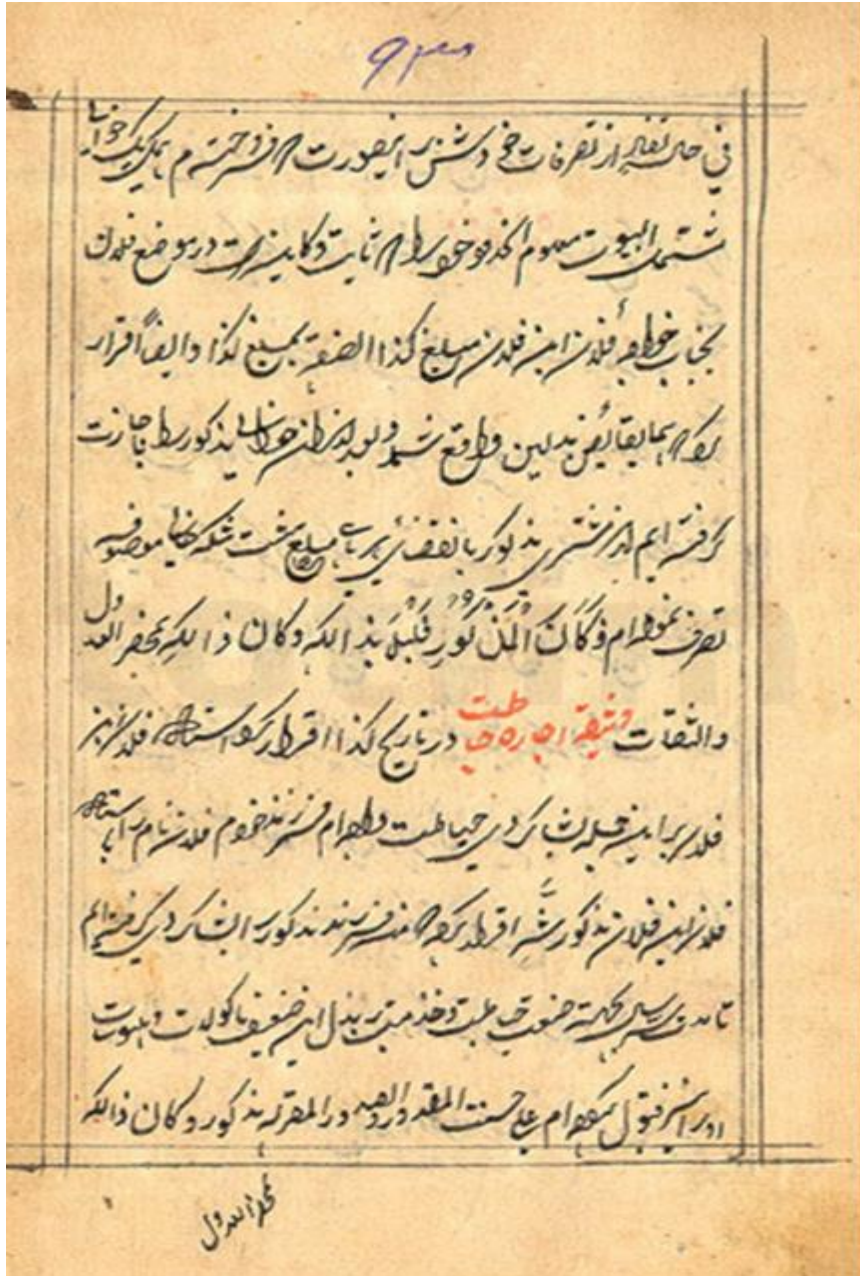
تفاوت‌هایی با نسخه مجلس دارند. در پایان چند صفحه از نسخه اساس و نسخه‌های فرعی پیوست می‌شود.



برگ ۱ الف از نسخه اساس موجود در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

بعضی از نسخه‌های این کتاب که در دسترس است
از نسخه‌های قدیم است و چون در این کتاب
فکر شده است بنابر آن که در این کتاب
چیزی که در این کتاب است و در این کتاب
از این کتاب است و در این کتاب
سند کفایت و بیرون چون بر این کتاب
عرضه رسیده است و آنچه بود نظر
میان بسوی طرفه ترا بر این کتاب
چیناب امارت مابین شیعیان است
کبیر صاحب دولت و تقرب به سلطنت
والد دولت و تقرب به سلطنت
بعد از دولت و تقرب به سلطنت
علاوه بر این دولت و تقرب به سلطنت
و اسباب بیعت و غیره در این کتاب
سرود از هر کس که در این کتاب
منتهی به این حد و تقرب به سلطنت
عقبه علیه السلام در این کتاب
به اطلاع است من نامزدی در این کتاب
مورد بود با اعتقاد تمام بر این کتاب
بسته در این کتاب و تقرب به سلطنت
نام و امضا و وقت مشهور در این کتاب

برگی از نسخه «گ» (موجود در کتابخانه گنج بخش پاکستان)



برگی از نسخه «ب» (موجود در کتابخانه گنج بخش پاکستان)

۵۱

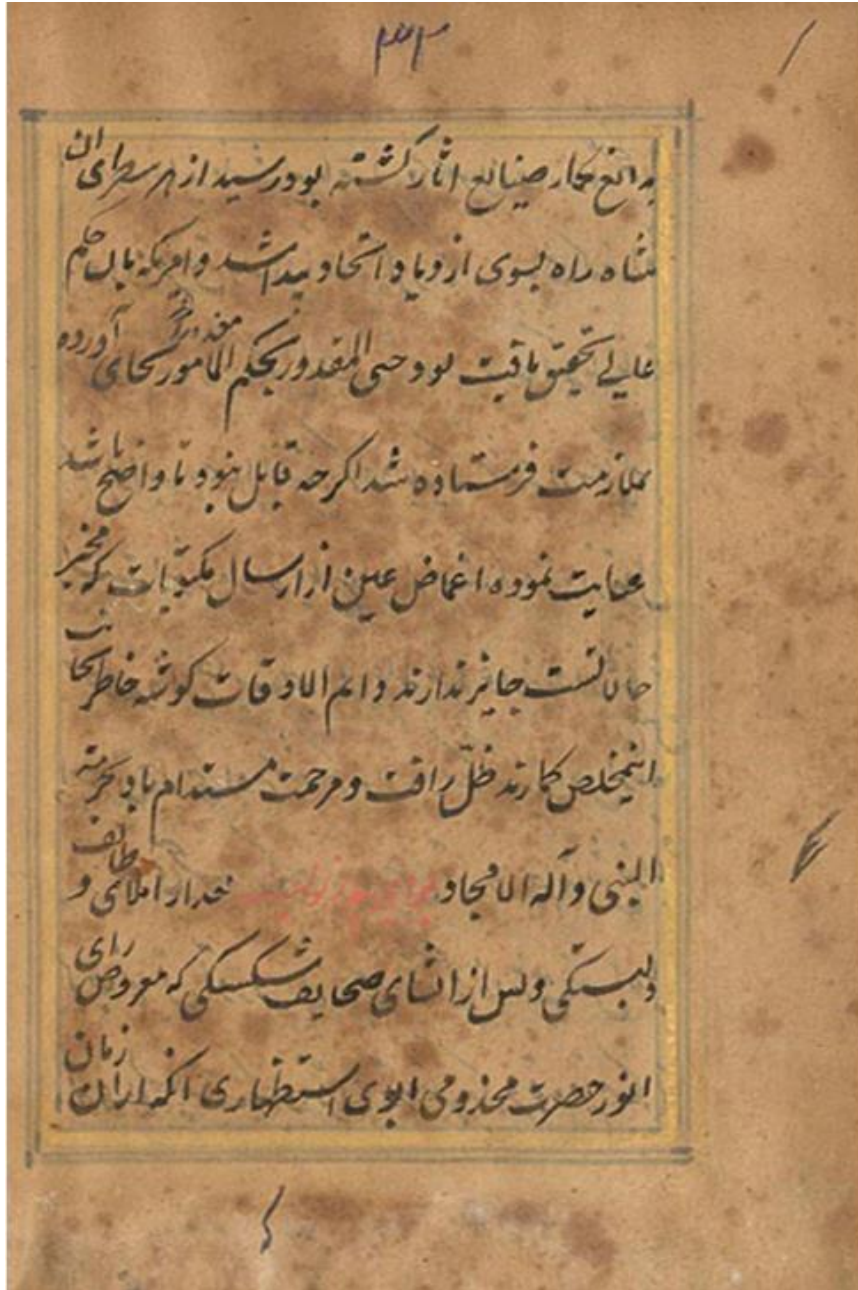
دارند هیچکس تغییر و تبدیلی بقواعد حکم راه ندید باید که از فرموده اعلی تجاوز نکند
 در عهد دانت درین تقریر نمایند **باب سوم در مکاتبات شرعی** المیرزا محمد الی
 احل البیع والشری و حریم الغصب والربو والصلوة علی رسول محمد المصطفی و علی
 آل و اصحابه المجتبی اما بعد این و تفریق شرعی و صحیحی غیر است از معنی آنکه در تاریخ
 فلان فروخت به بیعیات تبات غیر باسم و نسب خود جناب کمال الدین جمیع اطفال
 بن فلان در حال نفوذ جمیع تصرفات شرعی بهی و تمامی یک قطعه باغ مملوک
 خودش را که کاین و ثابت است در موضع فلان به دست خواجه فلان بن فلان
 رایج الوقت که نصف است از این قطعه باغ مذکور محمد و دست بانچه و در اربعه
 حد شرقی آن متصل است با باغ فلان و حد غربی آن متصل است بکوی فلان و حد
 جنوبی آن متصل است بشارع عامه نیا بلا عذر تسلیم مسیحه و قس و واقع شد و کان
 ذلک بحضور من الشهود العدل و الثقات حضار مجلس نویسنده و اصحابی شهود در
 تیر نویسنده **وثیقه گنج** بفرمان واجب الاذعان سلطان لایزال و دیان
 بی زوال تعالی شانده در تالی احسانه و هونانک و اطاب لکم من النساء منی و ثلث در باغ
 تقدروا الواحد

باز در فلان و حد شمالی آن متصل است

فان ختم ان لا
تعدوا الواحد

و بکوش

برگی از نسخه «پ» (موجود در کتابخانه گنج بخش پاکستان)



برگی از نسخه «ن» (موجود در کتابخانه گنج بخش پاکستان)

منابع

۱. بررسی ساختار و محتوای انواع نامه در دوران قاجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد واحد بردسیر، به راهنمایی دکتر محمدرضا براتی.
۲. تسبیحی، محمدحسین (۱۳۸۴)، فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، پاکستان، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۳. جهادی، سید امیر (۱۳۹۳)، «ترسل در عصر تیموری»، کهن‌نامه ادب پارسی، سال پنجم، شماره ۲، ۹۸-۷۵.
۴. حسن بن گل محمد، (۱۹۷ق)، تحفه سلطانیه (نسخه خطی). کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران.
۵. _____ (۱۲۵۹ق)، تحفه سلطانیه، پاکستان، اسلام‌آباد: کتابخانه گنج‌بخش.
۶. _____ (بی‌تا)، تحفه سلطانیه، پاکستان، اسلام‌آباد: کتابخانه گنج‌بخش.
۷. _____ (بی‌تا)، تحفه سلطانیه، پاکستان، اسلام‌آباد: کتابخانه گنج‌بخش.
۸. _____ (بی‌تا)، تحفه سلطانیه، پاکستان، اسلام‌آباد: کتابخانه گنج‌بخش.
۹. _____ (بی‌تا)، تحفه سلطانیه، پاکستان، اسلام‌آباد: کتابخانه گنج‌بخش.
۱۰. _____ (بی‌تا)، تحفه سلطانیه، پاکستان، اسلام‌آباد: کتابخانه گنج‌بخش.
۱۱. دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۰)، «دبیری و نویسندگی»، هنر و مردم، شماره ۱۰۹، ۵۲-۴۶.
۱۲. رزمجو، حسین (۱۳۸۵)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۳. رضایی، حمید، و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی سبکی نثر ترسل و انشا در عصر صفوی با تأکید بر نامه نامی»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۲۰، ۲۴۱-۲۲۵.

۱۴. رمضانی، علی (۱۳۹۲)، «پیشینه ترسّل و نامه‌نگاری در ایران از آغاز تا قرن ششم هجری، فصلنامه زبان و ادب فارسی دانشکده ادبیات و زبان‌های سنج، سال پنجم، شماره ۱۴، ۱۰۷-۱۳۰.
۱۵. شمشیرگرها، محبوبه (۱۳۸۹)، «سیری در ترسّل و نامه‌نگاری (بررسی کتاب التوسّل الی الترسل)»، مجله کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۵۲، ۷۱-۸۱.
۱۶. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۳)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس.
۱۷. مایل هروی، نجیب (۱۳۷۹)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۸. مردانی، فیروز (۱۳۷۷). «ترسّل و نامه‌نگاری در ادب فارسی»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۴۷، ۳۷-۴۳.